

## محمدتقی دانش پژوه

### چند سرچشمه دیرینه شیعی

آنچه که شاگردان در مجلس درس از استاد می شنیدند و خود آن را در دفتری می نوشتند و آن را سخن او وانمود می کرده اند آن را نقل یا روایت می گویند و کسی هم نمی توانست کتابی را از او بداند مگر اینکه روایتی با آن باشد . آنچه که استاد از روی دفتری که خود به نگارش در آورده و با آنچه که به ذهن خود سپرده است بر شاگردان بخواند و آنان را در گرداگرد وی با کاغذ و دوات نشسته بنویسند و این کار ناگزیر در چندین نشست انجام خواهد گرفت آن را " امالی " یا " تعلیق " می گویند و می توان آن را " بر خوانده یا نگارش " نامید . چون در بسیاری از بخشهای این امالی نشان داده می شود که در کدام مجلس یا نشست و یا در چه تاریخی املاء و بر خوانده شده است ، آن را مجالس هم می نامیده اند .

این دفترها گرچه از خامه خود استاد نیست و نوشته شاگردان است ولی مانند اصل نگارش او ارزنده است . ( کشف الظنون و الذریعه هر دو در واژه امالی ) .

روایت و املاء در آغاز تاریخ اسلامی در آموزشگاهها در حلقهات مسجدها و یا در شبستانهای مدرسهها روایی داشته و پیش از این در دانشگاههای یونانی آتن و اسکندریه و پرستشگاههای ایرانی و آرامی و هندی نیز نزدیک به همین روایت و املاء بوده است .

اکنون آنچه که در دانشگاه‌های کشورها با نام سخنرانی و کنفرانس و یا در حوزه‌های الازهر قاهره و نجف و قم به نام درس خارج هست نزدیک به همین روایت و املاء می‌باشد.

امالی و مجالس که گفته‌ایم خواه دینی یا ادبی فراوان بوده و در فهرست‌های بزرگ مانند کشف‌الظنون و الذریعه نام برخی از آنها آمده است. ابن‌الندیم در الفهرست و ابن‌خیر در الفهرست و بروکلن (فهرست نامهای ابن‌سه) و سزگین در تاریخ نگارش‌های عربی (۱ فهرست نامها و ۲: ۸۳ و ۹: ۲۵) از امالی و مجالس و مجلس ادبی و اخبار یاد کرده‌اند. در اینجا از شش دفتر دیرینه دینی شیعی که به‌ساخت امالی است و یا اینکه روایت است با عکس‌آغاز و انجام برخی از آنها یاد می‌گردد.

۱- الامالی از ابن‌بابویه ابو جعفر محمد قمی رازی ایلاقی در گذشته ۳۸۱ در حدیث که در مجلس نود و سوم می‌رسد به روز آدینه ۱۲ شعبان ۳۶۸ و آن مجلس بازپسین "وصف دین‌الامامیه" است و جداگانه هم با المقنع و الهدایة او در ۱۳۸۵ چاپ شده و جز الاعتقادات او است. الامالی در چاپ ۱۳۵۵ چنانکه در ذریعه آمده است ۹۷ مجلس دارد.

فیلم نسخه‌ای از آن در دانشگاه هست به شماره ۶۲۳۲ نوشته علی‌بن محمد بن محمد بن علی سکون در روز پنجشنبه ۱۴ ذح ۵۶۳ که با اصل آن سنجیده و برابر شده است. این نسخه را علی‌بن‌الحسین بن علی پلاسی در پایان رجب ۹۴۲ داشته است.

(مشار ۸۷- الذریعة ۲: ۲۲۶ و ۳۲۵ و ۴: ۱۹۳ و ۱۹: ۳۵۴ با یاد همین نسخه و ۲۵: ۹۹- سزگین ۱: ۵۴۴، عربی ۲: ۲۶۹).

ابن‌بابویه برای گنجینه صاحب عباد طالقانی (۳۲۶- ۳۸۵) در سرگذشت پیشوای هشتم شیعی امامی عیون اخبار الرضا پرداخته و در آن از سال ۳۵۲ یاد کرده است.

(دانشگاه ۵: ۱۴۲۷ و ۱۴۲۸- ذریعه ۱۵: ۳۷۵- منشاء ۶۴۲- سزگین ۱: ۵۴۵، عربی ۲: ۲۶۹).

ابن بابویه در پایان این دفتر از فرمان روای رازی یار ابو جعفر عبّی و فرستاده او نزد ابو منصور پسر عبدالرزاق طوسی که در داستان شاهنامه فردوسی نام او آمده است و از داستان پناه بردن آهو یاد می‌کند .  
( ص ۳۸۵ و ۳۸۶ چاپ سنگی ۱۳۱۷ ) .

نسخه‌ای از آن در دانشگاه به شماره ۹۵۵۵ ( ۴۰۴ : ۱۷ ) که آن را یحیی بن حسنویه بن الحسن در روز آدینه ۱۴ شعبان ۵۷۶ نوشته است . فیلمی از آن هم به شماره ۵۱۴۳ دانشگاه دارد ( ۱۳۷ : ۳ ) .

۲ - الامالی از شیخ مفید ابو عبدالله محمد بن نعمان بغدادی ( نزدیک ۳۳۳ - ۴۱۳ ) در چهل و دو مجلس ( چاپ ۳۶۷ نجف ) مجلس نخستین آن تاریخ املاء روز شنبه یکم رمضان ۴۰۴ در بغداد در زیارین در درب ریاح در جایگاه ضمره ابوالحسن علی فارسی و بازپسین آن تاریخ روز شنبه ۲۷ رمضان ۴۱۱ دارد . آن را نجاشی " الامالی المتفرقات " خوانده است ( ذریعه ۲ : ۳۱۵ و ۱۹ : ۳۶۷ ) و آن جز الاختصاص است که از وی پنداشتند ( ذریعه ۱ : ۳۵۹ و ۱۵ : ۳۸۶ و ۱۶ : ۲۴۴ ) و در تهران در ۱۳۷۹ چاپ شده و مشار ( ۳۱ ) آن را از ابن بابویه پنداشته است . سزگین ( ۱ : ۵۴۹ ) عربی ( ۲ : ۲۷۸ ) الامالی را با الاختصاص یکی دانسته است . نوشته‌اند که الاختصاص از ابوعلی احمد بن عمران است که گویا مفید از آن گزین کرده است ( سپه ۱ : ۱۹۷ و ۳ : ۷ ) و من از آن در فهرست دانشگاه ( ۵ : ۱۰۶۶ - ) سخن داشته‌ام الفصول المختارة من العیون والمحاسن که گزیده‌ایست از نگارش‌های مفید ( چاپ نجف ) هم جز الاختصاص می‌باشد . مارتن مکدرموت در سرگذشت مفید به انگلیسی از این دفترها سخنی داشته است ( ص ۲۷ و ۳۴ و ۳۶ ) همانکه آقای احمد آرام آن را به فارسی در آورده است .

۳ - الامالی و المجالس از شیخ ابو جعفر محمد طوسی ( ۳۸۵ - ۳۶۰ ) که در آن تاریخ ۴۵۵ تا ۴۵۸ دیده می‌شود و بخشی از آن را هم پسرش ابوعلی حسن طوسی در گذشته پس از ۵۱۵ در نجف در سال ۵۰۹ برای شاگردان املاء کرده و بر خوانده است . در بیست و هفت پاره یا جزو است و نخست هجده پاره آن به دست مردم رسیده سپس دنباله آن تا پاره

بسیست و هفتم در چند مجلس به نگارش درآمده است . چون پسرش آن را روایت کرده است آن را از وی پنداشته‌اند ( ذریعه ۲: ۳۰۹ و ۳۱۳ و ۱۹: ۳۵۵ ) . این دفتر به چاپ رسیده (مشار ۸۷) و در آن ۴۵ مجلس دیده می‌شود. نوشته‌اند که نسخهٔ نویساندهٔ خلیل قزوینی در ۱۰۴۸ یک سوم بیشتر دارد و آن باید در مجلس تهران باشد .

نسخه‌ای از آن را سدیدالدین محمدبن عبدالله بن محمدبن هلال کاتب در آغاز روز آدینه ۱۳ شوال ۵۸۰ نوشته و آن در کتابخانهٔ ملک به شماره ۱۱۶۰ است (فهرست عربی چ ۱: ۵۹ و ۲: ۴۷) عکسی از آن به شماره ۶۸۴۴ (۳: ۲۶۲) در دانشگاه هست . به گواهی پایان این نسخه در آن هجده جزء است اگرچه در آغاز آن عنوان مجلس دیده نمی‌شود . کسی آن را در صفحه عنوان "المصابیح" خوانده است . آن را عبداللہ بن عمر بن سالم علوی حسینی در ۵۹۹ داشته است ، همچنین موسی بن عبداللہ در ۵۲۹ ( ثلاث و عشرین و خمسمائہ " که گویا " ستمائہ " بوده و در آن دست برده و "خمسمائہ" کرده‌اند .

تاریخ خریداری ۶۲۸ (ثمان و عشرین و ستمائة) هم دارد و از آن ابوالمکارم نامی هم برده و احمد بن مظفر بن ابی اسحق آن را خوانده است .  
۴ - الايضاح از قاضی ابوحنیفه نعمان مغربی مالکی شیعی فاطمی در گذشته ۳۶۳ که اخبار است با اسناد مانند کافی کلینی امامی و در روزگار المهدی (۲۹۷ - ۳۲۲) ساخته شده و نوشته‌اند که در سه هزار برگ و صد و بیست پاره با جزو باید باشد . افسوس که آن از میان رفته و تکهٔ کوچکی در نماز از آن مانده است . خود او از آن گزین کرده و در "الارجوزة المنتخبه" خود از هر دو آن یاد نموده است .

( سزگین ۱: ۵۷۷ ، عربی ۲: ۳۲۵ - ایوانف ۸۳ - مجدوع ۳۳ -

چون والا ۵۱ و ۵۲ - فهرست زلهايم ۱۳۸ ) .

ولفرد مادلونگ در روزنامه بررسی‌های خاور نزدیک ( J.N.E.S. ) در ۱۹۴۷ گفتاری به انگلیسی در باره " الايضاح " دارد و از آن برمی‌آید که در این دفتر از کسانی یاد شده که در معالم العلماء ابن شهر آشوب مازندرانی

شیعی امامی نام آنها آمده و پاره‌ای از سرچشمه‌های ابن شهر آشوب با آن شناخته می‌شود. در آن از دفترهایی یاد می‌شود که سندهای آنها در فهرست‌های امامیان باید جست و از آنهاست "الاشعشیات و الجعفریات" که در تهران در ۱۳۷۰ باره دوم چاپ شده است (دانشگاه ۵: ۱۴۵۲).

۵- الامالی فی الفقه والحديث از ابو عبد الله احمد بن عیسی بن زید بغدادی (۱۵۷-۲۴۷) که آن را المنصور بالله در گذشته ۳۹۳ "بدایع الآثار فی محاسن الانوار" نامیده و آن را ابو جعفر محمد بن منصور بن یزید مفری مرادی کوفی در گذشته ۲۹۰ روایت کرده است.

در دو تا از سه مشیخه زیدی که من در فهرست دانشگاه (۱۶: ۲۳ و ۷۶۳) آورده‌ام نام آن آمده است، ابن حابس شمس‌الدین زین‌المجالس احمد بن یحیی صعدی دواری در گذشته ۱۰۶۱ در "المقصد الحسن و المسلك الواضح السند مما لا ینبغی جهله لذوی الفقه و الفطن من لوازم علم الفرائض" که از بهترین فهرست‌ها و سرگذشت‌نامه‌های زیدی است از آن یاد کرده است. (نسخه جامع کبیر صنعاء شماره ۱۳۷ فقه هادوی نوشته ۱۰۸۳ در ۲۲۸ گ و نسخ ۹۹/۳ آمبر و زیانا یاد شده در فهرست گریفینی شماره ۳۵۵ ص ۲۴۲ و مصادر تاریخ الیمن لطفی سید ص ۲۳۴).  
گریفینی‌بندی از "المقصد الحسن" را درباره همین امالی احمد بن عیسی آورده است.

(فهرست گریفینی ش ۱۳ و ۱۳۲ و ۱۳۵ در ۱۰۴۶: ۴ و ۱۰۴۷ و ش ۴۲۴ در ۲۴۹: ۸-۲۶۲ و ZDMG 63/64 - دیباچه او بر مسند زید ص ۱۲۷ - سزگین ۱: ۵۶۳، عربی ۲: ۲۹۲ و ۲۹۸).

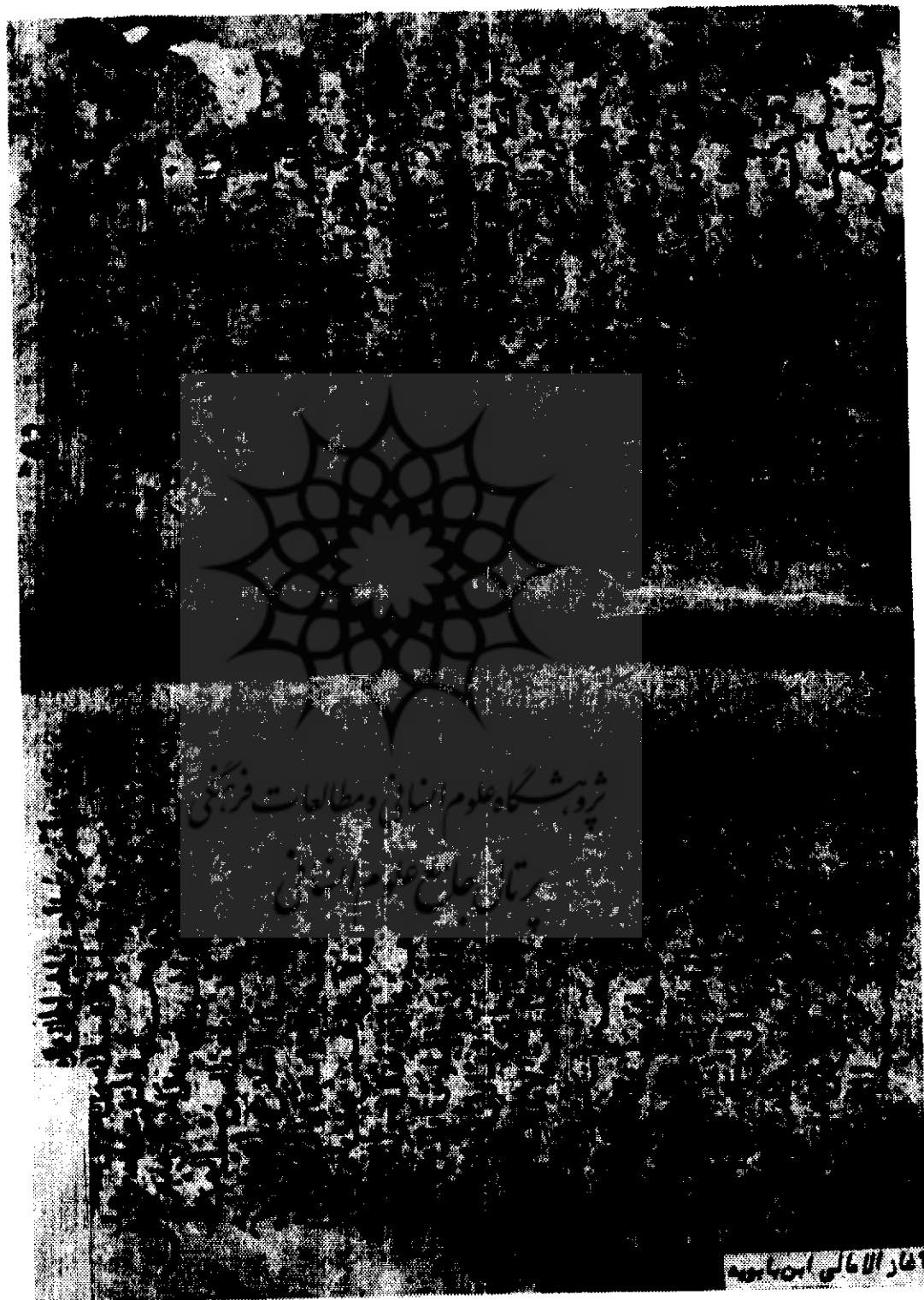
۶- الافاده فی تاریخ الائمة السادة از ابوطالب الناطق بالحق یحیی بن حسین بطحانی هارونی (۳۴۰-آمل ۴۲۲) که در آن سرگذشت شانزده پیشوای زیدی از امام نخستین شیعی تا المهدی لدین الله ابو عبد الله الداعی محمد بن الحسین الداعی الی الحق بن قاسم حسنی رسی در گذشته ۳۶۰ را آورده است. او به پیروی از گفته الشهادی الی الحق ابو الحسین یحیی رسی (۲۴۵-۲۹۸) در آغاز کتاب الاحکام از این شانزده تن یاد

کرده و سرگذشت آنها را آورده و در آن از المصباح ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن حسن درگذشته ۳۵۲۶ بهره برده است .

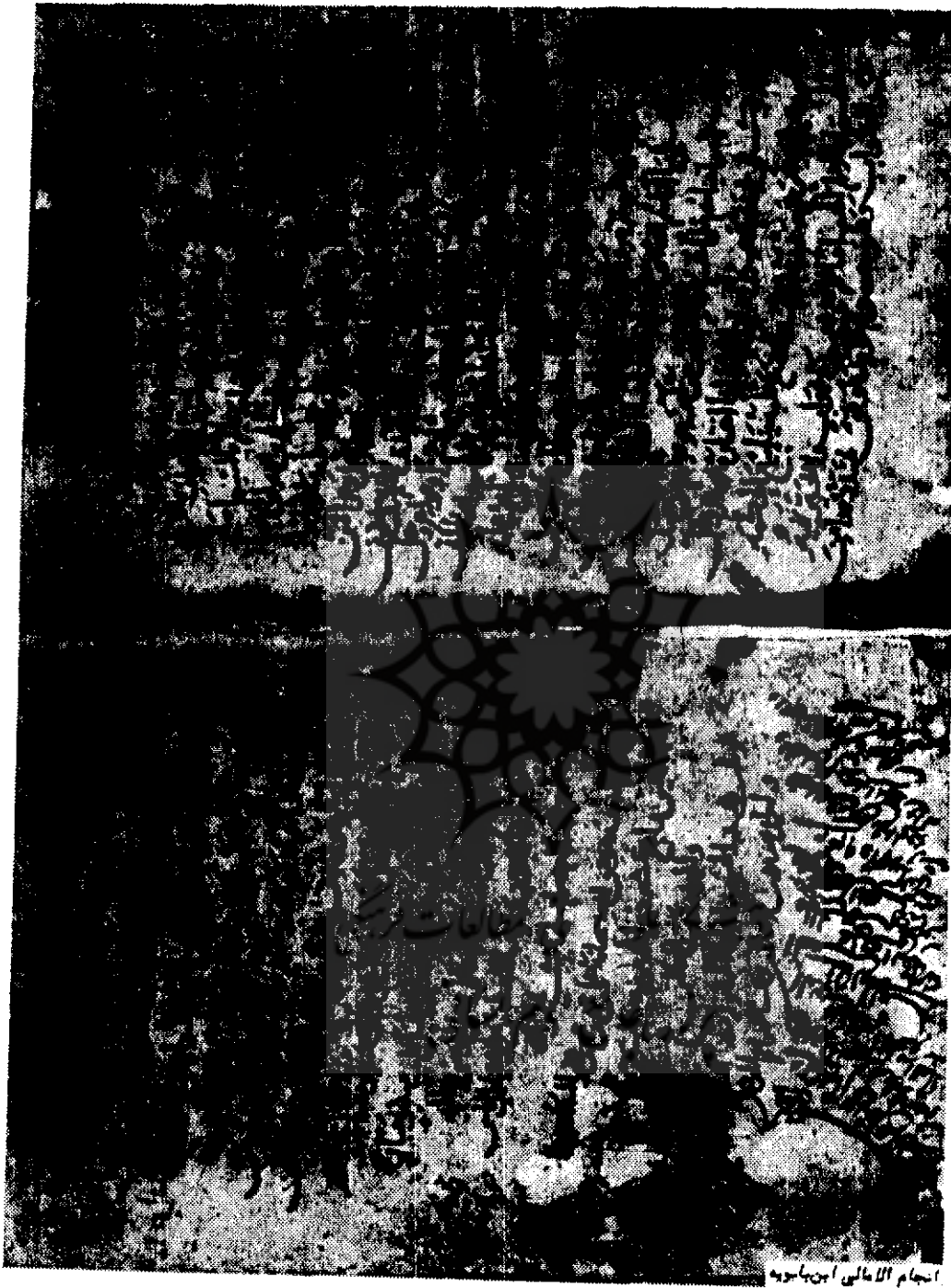
نسخه‌هایی از این کتاب در واتیکان و بنیاد کائتانی در رم و در لیدن و توپینگن و برلین هست . و چنین است " الحمد لله الذی اصطفی من عباده لتبلیغ رسالته الانبیاء والمرسلین . . . . هذا جوامع الکتاب الذی کنا بدأنا بجمعه فی اخبار الائمة السهادین -- لما نظرت الیه عند الغسل شاهدت علامات السم فزدت فی البکاء و صحت و قلت سم سیدی .

آن را تتمه و دنباله ایست از عماد الدین یحیی بن علی بن قاسم در سرگذشت المنصور بالله قاسم بن عیانی درگذشته ۳۹۳ تا المتوکل علی الله اسماعیل بن قاسم بن محمد درگذشته ۱۰۸۷ ( برلین ۱۶۵۶۶/۲ ) .

بنگرید به : تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ص ۹۸ و ۱۰۱ و ترجمه انگلیسی آن ص ۵۵ ، اتحاد المسترشدین ۴۱ ، فهرست زلهایم ۱۳۵ ، بروکلن ۱ : ( ۴۰۲/۲ ) ۵۰۷ و ذیل ۱ : ۶۹۷ ، آغاز امامت زیدی در یمن از آرندونگ ترجمه فرانسوی دیکمانس ص ۱ دیباچه ، الاعلام زرکلی ۹ : ۱۷۲ ، کحاله ۱۳ ، ۱۹۲ ، هدیة العارفین ۲ : ۵۹ ، تراجم الرجال جنداری ۴۱ ، گفتار مادلونک درباره فرمانروایان علوی تبرستان و دیلم و گیلان در ۱۹۶۶ ، گفتار اشتروتمان در Der Islam سال ۱۹۱۰ ( ۳۵۴ : ۱ - ۳۶۸ ) و ۱۹۱۱ ( ۴۹ : ۲ - ۷۸ ) که دیباچه و بندی در سرگذشت قاسم از الافاده با ترجمه آلمانی در آن هست ، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی از فواد سید ص ۸۴ و ۹۱ و ۱۲۷ ، فهرست لیدن ۲ : ۶۳ ش ۹۱۲ ( Cod Or 2616 ) نوشته ۱۰۷۴ ، فهرست وورهورسو ۱۲۲ ، فهرست برلین ۲۰۹ : ۹ و ۲۱۰ ش ۹۶۶۵ و ۹۶۶۶ ، توپینگن ش ۱/۹۶۶۵ ، فهرست واتیکان از النکو ص ۱۷۳ ش ۱۱۵۹/۲ برگ ۹ ر - ۵۰ پ در ۸۴ ص ، فهرست تراینی Traini برای بنیاد کائتانی Caetani ص ۵۱ .

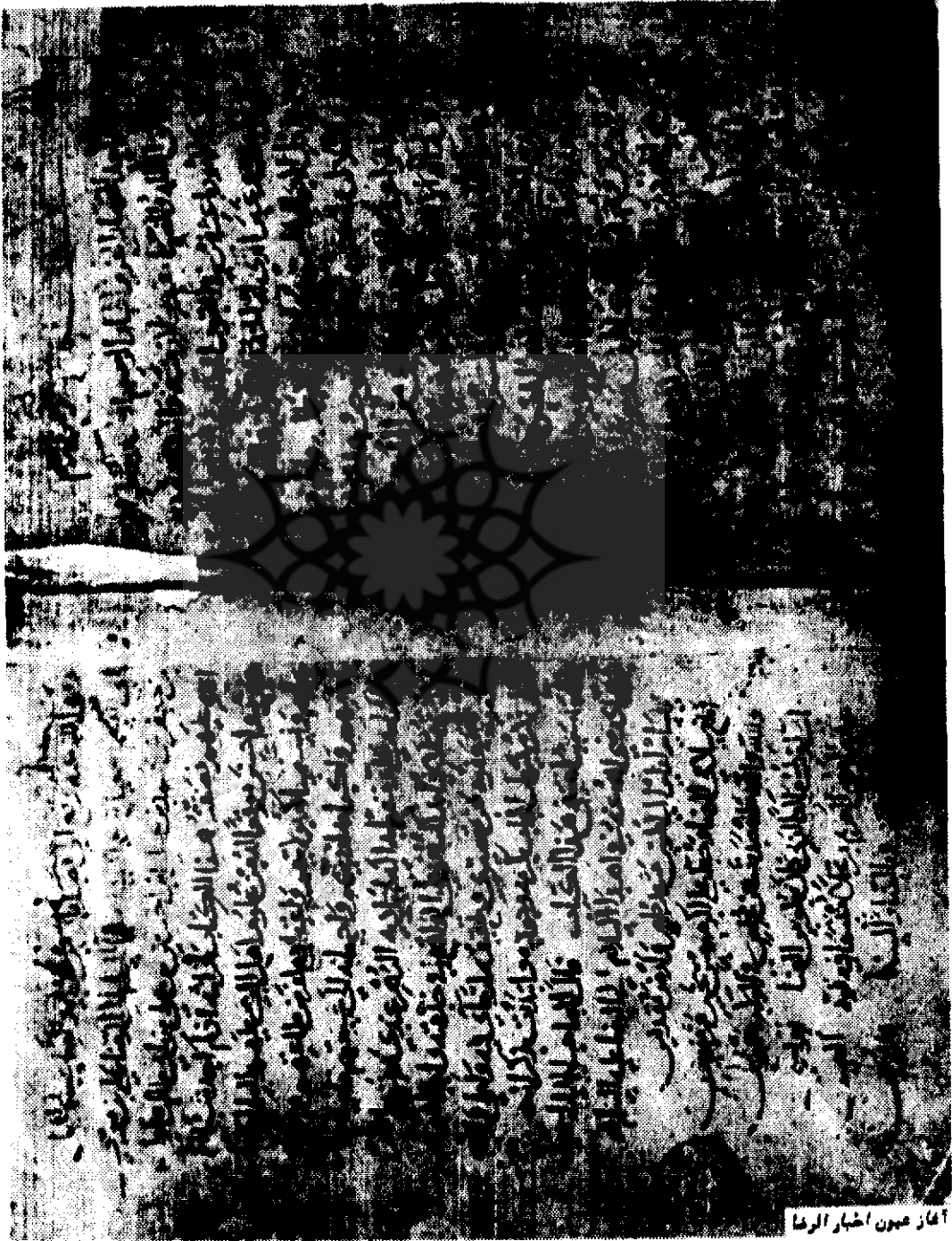


آغاز آگاهی این مجموعه



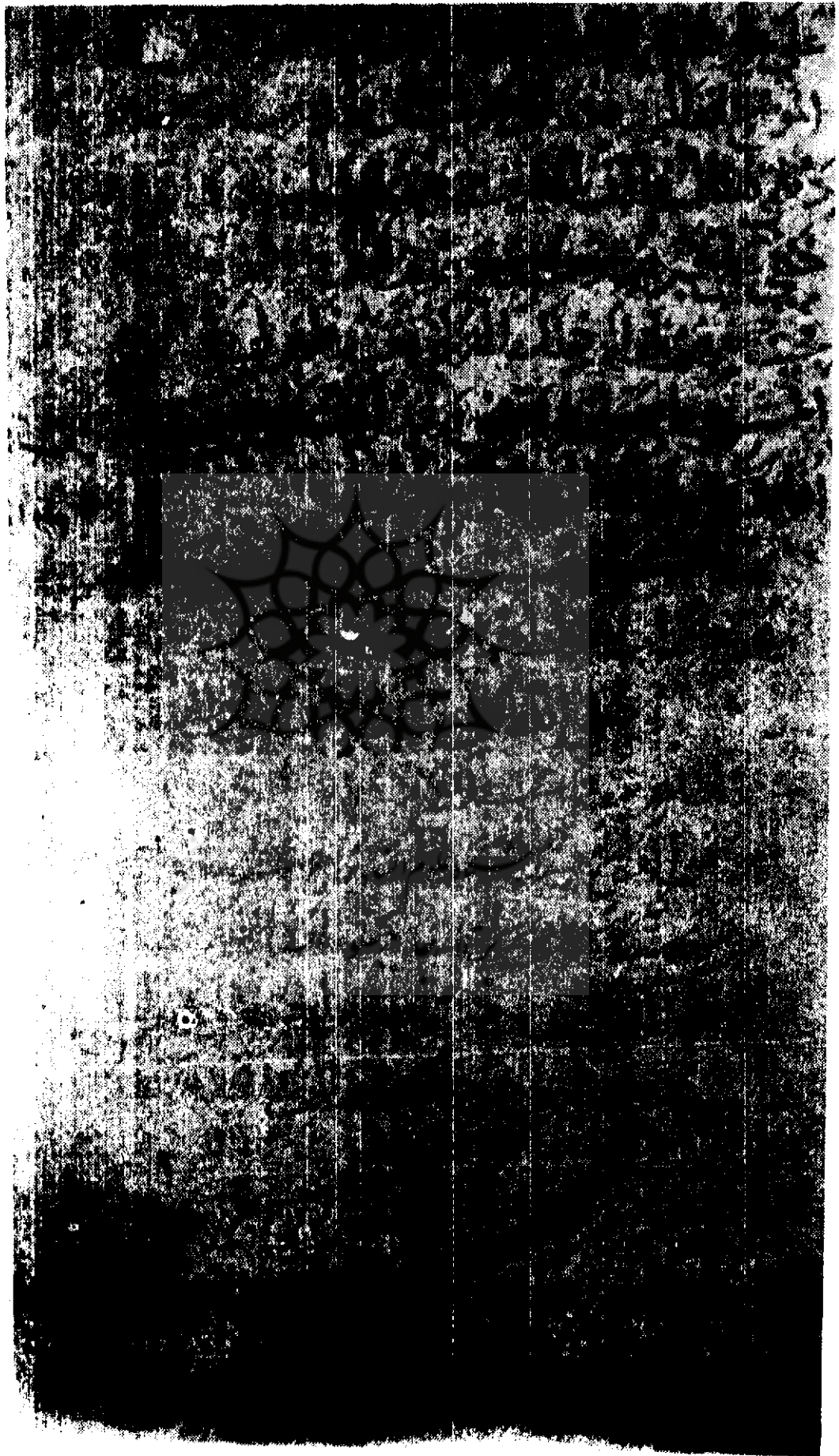
انجام الامالی ابن بابویه





آغاز عمون اخبار الرضا





سكت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أما بعد يا أبا عبد الله محمد بن محمد بن العزق قال حدثنا أبو  
الطيب الحسين بن علي بن محمد التمار قال حدثنا محمد بن أحمد  
قال حدثني جدي قال حدثنا علي بن جعفر الديلمي قال حدثنا أبو بصير  
أبو بصير عن عبد الله بن دينار عن أنس بن مالك قال قال رسول الله  
صلى الله عليه وآله لا تكثروا الكلام بغير ذكر الله فإن كثرة  
الكلام بغير ذكر الله فينبو القلب إن أبعث الناس من الله

الكتاب الثاني

قال حدثنا أبو الطيب الحسن بن علي بن هارون قال حدثنا عمي  
قال حدثنا محمد بن عمر قال حدثنا ثور بن يزيد عن محمد بن بكر  
قال لما كان يوم خيبر خرج نجل من اليهود يقال لهم  
وكان طويلاً الثامة عظيم القامة وكان اليهود تقدمه  
لشجاعته وسبأوه قال

الهم إلى محراب النبي صلى الله عليه وآله فموا فقه فزيت لا  
قال له أنا مزجبت ثم جرت عليه فلم يفت له قالوا ففت  
له طمعه وكانته وكانته وكانت له بنتاً أبو وعظيم  
خافه فكانت تقول فانا لك من قائلنا لو غاب عنك من غابك إلا أنني  
على عيذك فإني إن وفقتك ما كنت قال فلما أتممت ما كنت فعل  
الباين بفنائه فتكوا ذلك الي النبي صلى الله عليه وآله

وسأله أن يخرج إليه علياً فقال النبي صلى الله عليه وآله  
وقال له يا علي اكتب لي ترجيباً يخرج إليه أبا المومنين  
عليه السلام ولما تفرغ من ذلك استخرج إليه فلم يتركه يعابيه  
فأنكر ذلك وأجابه قائلاً وهو يقول

أنا الذي سئني أمتي ترجيباً

فأقبل علي عليه السلام بالسيف وهو يقول

أنا الذي سئني أمتي حينئذ

فأجاب فقال سمعاً مني فزجت هزب ولم يقف حوقاً مما جازت

منه طيرة فمثل له البين في صورته وخرج من إجازة اليهود وقال

إياي ترجيب فقال قد سئني علي هذا الترتيب حيدته فقال له

أليس فما حيدته قال إن فلانة طيري كأنك تحبني بمرارة

تجعل شدة حيدته وتقول أنه قال لك فتأله أليس

سنة لك لو لم تكن حيدته إلا هذا فحيدته أنا إن سئله

يرجع عن مشاة تلخذ بقول النصارى ومن يخطئ استهوا

وحيدته في الدنيا كثير ناتج فلعنك فلا تله وإن سئله

شدت قومك وأنا في طهر كما استمخ الهنود

لك قال فردد فوالله ما كان إلا هو

نأته حتى ضربته علي ضرباً سقط فيها لوجهه وانضم

اليهة فيقولون قتل ترجيباً وقل ترجيباً

الذي

الويع طاعته فانه يجدها كمنه

بها ~~الامالي~~ ~~تساج~~

وهو ثمانية عشر حجرا اوله يعقلم  
الجوهر الثلث عشره وفضله شمس



نيسه ثمانية وخمس

وخطه الندي في عهد بن عبدالله بن محمد بن ابي العباس

والجدلة ريب العارل على السلي بن العاص

بعدن الرساله شيدا بما يحمد الوعا على

الامالي الطاهر بن سليمان بن ابي العباس

فقلت لمولاي

موسى بن جعفر علمها السلام يا من بنت رسول الله

انها دعا ذكرك من مواليك ليشترون الخمر

ويزكروا من الموقر من الذنب فيسوع لنا ان نقول امهم

فما زفقا لا يازدو اللهم الفاسو الفاجئ الا لناضيه

لنا عريا ولكن هو لو امو من النفس حيننا الفحل

والله لن محج ولينا من الدنيا الا والله ورسوله  
 ونحن عنه اذنون وقد كان الله يحسنه وعلينا  
 فيه من الذنوب مبيضا وجهه فسفورا عورتنا آمنة  
 ووعنته واذا نى ما يصغي به بولينا ان يزيد الله ذنوبا  
 مهوله في غنائه اولغاة ظلمت ذوله الظالمين او يندد  
 عليه عبد الموف فكر ذالك كفارة لذنبه فخرج من الدنيا

بغير ذنب والشاهد

بسم الله الرحمن الرحيم صلى الله على سيدنا محمد وآله  
 اللهم اجعل من هذا العمل خيرا لوالدي ووالديهم  
 وولد قاروتهم انما ساروا من اهل البيت  
 ان يترقى في امة نور او في امة ظلمة  
 من فضل الله العظيم اليه باذنه  
 علم جميع العلوم وكيفية اداء زكاة  
 المال والبيد المساءر والغير المنزول  
 في الدنيا والآخرة



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی